

# **Epistemic and Meta-epistemic Factors and Facilitators in the Formation of Religious Doubts**

---

**Ramazan Ali Tabar**\*

---

Received Date: 2024/8/17

Accepted Date: 2024/9/21

Religious doubts are one of the fundamental challenges in religious understanding, religious studies, and even religiosity that have prompted humans to think and reflect throughout history and, in their place, will have damaging effects and impacts on individuals' mind and faith and also on society. Religious doubts can arise from various epistemic and meta-epistemic factors. This article attempts to examine the factors and grounds effective in forming religious doubts with a comprehensive view, using a meta-analytical approach and documentary method. Findings show that factors effective in forming religious doubts can be divided into two categories: epistemic and meta-epistemic factors. Epistemic factors include undesirable epistemic paradigms, disruptive and destructive foundations, application of a wrong approach, improper application of an approach, etc. These factors serve as primary and genuine causes. Non-epistemic (meta-epistemic) factors comprise a set of internal and external factors that, as preparatory causes in the religious research process, become the source of many doubts. Internal factors include psychological, moral, personal, and personality characteristics referred to as psychological factors. External factors include customs and habits, cultures, governments, patterns, social atmosphere, and similar factors, referred to as social factors.

**Keywords:** *Religious Doubt, Religious understanding, Religious research, Epistemic Factors, Meta-epistemic Factors.*

---

\* Full Professor in the Logic of Religious Understanding Department at the Research Institute for Islamic Culture and Thought (r.alitabar@email.ir).

## العوامل المعرفية و ما وراء المعرفية و أدواتهما في تكوين الشبهات الدينية

رمضان علي تبار\*

القبول: ١٤٤٦/٣/١٧

الإستلام: ١٤٤٦/٢/١٢

### الملخص

إن الشبهات الدينية هي أحد التحديات الأساسية في الفهم الديني والدراسات الدينية وحتى التدين، والتي جعلت الناس يفكرون ويتفكرون عبر التاريخ، وبدورها سيكون لها أضرار وآثار مدمرة على عقول الأفراد والمجتمع ومعتقداتهم. يمكن أن تنشأ الشبهات الدينية من العوامل المعرفية وما وراء المعرفية المختلفة. قد حاول هذا البحث دراسة العوامل والمجالات الفعالة في تكوين الشبهات الدينية من خلال مدخل متعالٍ ومنهج شامل والطريقة الوثائقية. أظهرت النتائج أن العوامل المؤثرة في تكوين الشبهات الدينية يمكن تقسيمها إلى مجموعتين: عوامل معرفية وعوامل ما وراء معرفية. العوامل المعرفية، بما في ذلك النماذج المعرفية غير المرغوب فيها، والأسس التخريبية والمدمرة، وتطبيق الطريقة غير الصحيحة، والتطبيق غير الصحيح للطريقة وما شابه ذلك، تلعب دور السبب الحقيقي والرئيسي. تشمل العوامل ما وراء المعرفية مجموعة من العوامل الداخلية والخارجية، والتي تنشئ كمصدر معدّ في عملية البحث الديني شبهات كثيرة. وتشمل العوامل الداخلية: الخصائص النفسية والأخلاقية والفردية والشخصية، والتي يشار إليها بالعوامل النفسية. والعوامل الخارجية مثل العادات والتقاليد والثقافات والحكومات والأنماط والأجواء الاجتماعية وما شابه ذلك والتي تفسر على أنها عوامل اجتماعية.

الكلمات المفتاحية: الشبهات الدينية، الفهم الديني، الدراسات الدينية، العوامل المعرفية، العوامل ما وراء المعرفية.

# عوامل معرفتی و فرامعرفتی شکل‌گیری شبهات دینی

رمضان علی‌تبار\*

تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۶/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۵/۲۷

## چکیده

شبهات دینی یکی از چالش‌های اساسی در دین‌فهمی، دین‌پژوهی و حتی دینداری است که در طول تاریخ، انسان‌ها را به تفکر و تأمل واداشته است و در جای خود، آسیب‌ها و آثار مخربی در ذهن و ایمان افراد و جامعه خواهد داشت. شبهات دینی می‌تواند ناشی از عوامل گوناگون معرفتی و فرامعرفتی باشد. مقاله حاضر می‌کوشد با رویکرد فرانگرانه و با روش اسناد و مدارکی، با نگاهی جامع به بررسی عوامل و زمینه‌های مؤثر در شکل‌گیری شبهات دینی بپردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد عوامل مؤثر در شکل‌گیری شبهات دینی، به دو دسته عوامل معرفتی و فرامعرفتی قابل تقسیم‌اند. عوامل معرفتی، شامل پارادایم‌های معرفتی نامطلوب، مبانی مخل و مخرب، کاربست روش نادرست و کاربست نادرست روش و مانند آن. این عوامل نقش علت حقیقی و اصلی را بازی می‌کنند. عوامل غیرمعرفتی (فرامعرفتی)، مشتمل بر مجموعه‌ای از عوامل درونی و بیرونی‌اند که به‌مثابه علل معده در فرایند دین‌پژوهی، منشأ شبهات بسیاری می‌شوند. عوامل درونی عبارت‌اند از: ویژگی‌های روانی، اخلاقی، شخصی و شخصیتی که از آن به عوامل روان‌شناختی تعبیر می‌شود. عوامل بیرونی مانند آداب و عادات، فرهنگ‌ها، حکومت‌ها، الگوها، جو اجتماعی و مانند آن، که به آن عوامل اجتماعی گفته می‌شود.

**واژگان کلیدی:** شبهات دینی، فهم دین، دین‌پژوهی، عوامل معرفتی، عوامل فرامعرفتی.

## مقدمه

شبهات دینی یکی از چالش‌های اساسی در دین‌فهمی، دین‌پژوهی و حتی دینداری است که در طول تاریخ انسان‌ها را به تفکر و تأمل واداشته است. شبهات دینی می‌توانند ناشی از عوامل گوناگون معرفتی و فرامعرفتی باشند؛ همان‌گونه که دین‌فهمی و دین‌پژوهی به مقدمات و شرایط معرفتی و فرامعرفتی وابسته است؛ توضیح اینکه فهم دین و معرفت دینی، به مقدمات و شرایط خاصی وابسته می‌باشد. برخی شرایط فهم دین از سنخ فقدان موانع، آفات و آسیب‌هاست. عوامل و عوارضی را که با تأثیر بر اطراف واقعه فهم، مانع تحقق فهم دین یا باعث خطا در معرفت دینی می‌گردد، موانع و آفات فهم دین می‌نامیم (رشاد، ۱۳۸۲ الف، ص ۳۸-۳)؛ بنابراین شناخت موانع و پیراستن آنها از شرایط فهم دین بوده و وجود موانع، خنثاکنده دیگر شرایط خواهد بود. موانع فهم دین به دو دسته کلی «معرفتی» و «فرامعرفتی» تقسیم می‌شود. موانع معرفتی همچون ضعف یا فقد دانش‌های لازم، نداشتن مبانی درست و مانند آن و موانع فرامعرفتی همچون عوامل روان‌شناختی و نفسانی، عوامل اجتماعی، اخلاقی و مانند آن می‌باشد؛ به‌همین دلیل راز کژفهمی و بدفهمی و در نتیجه، تحقق شبهات در دین‌پژوهی در عوامل یادشده نهفته است.

موانع فهم دین معمولاً در حوزه‌های گوناگون دین، متفاوت بوده و در دسته‌های مختلفی همچون موانع فهم و تفسیر قرآن کریم، موانع فهم حدیث، موانع فهم عقاید، موانع فهم احکام، موانع فهم اخلاق، موانع کاربست عقل یا فطرت و... قابل بررسی است. به‌عبارت‌دیگر موانع و آفات فهم دین به‌حسب اطراف و ارکان فهم دین - معطوف به منابع و مدارک، معنا، مفسر و... - به اقسام گوناگونی می‌تواند تقسیم شود (همان). اگرچه موانع فهم دین در تحقق فهم صائب، نقش سلبی دارند، ولی در تحقق شبهات دینی نقش ایجابی دارند و منشأ انحرافات و شبهات فراوانی می‌شوند (ر.ک: علی تبار، ۱۴۰۰، ص ۷۸).

مقصود از شبهه - از ریشه «شبه» به‌معنای تشابه و همانندی - چیزی است که به‌دلیل تشابه، انسان را در تشخیص حق از باطل دچار مشکل کند (ر.ک: ابن‌منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۳، ص ۵۰۳)؛ بنابراین در اندیشه اسلامی، شبهه معمولاً در مواردی استعمال می‌شود که عدم تمییز و اشکال در تشخیص نسبت به حق و باطل صورت گرفته باشد؛ یعنی ارائه باطل به‌گونه‌ای شبیه حق جلوه می‌کند؛ برای مثال امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «وَإِنَّمَا سُمِّيَتْ الشُّبُهَةُ شُبُهَةً لِأَنَّهَا تُشْبِهُ الْحَقَّ: شبهه را شبهه نامیده‌اند چون باطلی است که به حق، شباهت دارد» (نهج‌البلاغه، خطبه ۳۸). این مسئله درباره بیشتر شبهات دینی صادق است؛ یعنی شبهه‌گران خواسته یا ناخواسته و آگاهانه یا ناخودآگاه با تزئین و آمیختن حق و باطل، منشأ شبهاتی در حوزه دین‌فهمی و دین‌پژوهی می‌شوند.

درباره شبهه‌پژوهی آثار گوناگونی قابل گزارش است که هریک به زوایای خاصی پرداخته‌اند؛ برای نمونه رضا برنجکار در کتاب روش‌شناسی علم کلام، به شبهه و نحوه پاسخ‌گویی بدان پرداخته است. اکبر ساجدی و دیگران در مقاله «تأملی در آیات ناظر بر شبهه‌افکنی مشرکان و پاسخ‌های قرآنی» با احصای آیات مربوطه، شبهه‌افکنی کفار و مشرکان را طرح کرده و پاسخ‌های قرآنی را به این دسته از پرسش‌ها با محوریت تفسیر مجمع‌البیان و تفسیر نمونه مورد بررسی قرار داده‌اند. این آثار به عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شبهات دینی نپرداخته‌اند. فرانک بهمنی و سعید بهمنی در مقاله «بازتقریر خاستگاه شبهه به‌مثابه مبنای معرفتی مواجهه و مقابله با آن» به برخی عوامل و خاستگاه درونی شبهه، شبهه‌پذیری و شبهه‌افکنی پرداخته‌اند. محقق‌گرمی و دیگران در مقاله «بنیان‌ها و علل شناختی و روشی شکل‌گیری شبهات از نظرگاه قرآن مجید»، صرفاً به علل و عوامل ایجاد شبهه از منظر قرآن کریم پرداخته‌اند. این منابع و مقالات هریک در جای خود به زوایای خاصی از مسئله پرداخته‌اند، درعین حال خلأهایی در آنها وجود دارد و مقاله حاضر به تفکیک علل حقیقی و علل معدّه ایجاد شبهه و شبهه‌پذیری پرداخته است.

## ۱. عوامل معرفتی

عوامل معرفتی شبهات دینی، فراوان‌اند. برخی عوامل معرفتی عبارت‌اند از: تأثیرپذیری از پارادایم‌ها و مبانی نامطلوب، فقدان دانش‌های مقدماتی، جمود فکری، جزئی‌نگری، توانایی ذهنی، کودنی و گندذهنی، کاربست روش نادرست یا کاربست نادرست روش و مانند آن. در ادامه به برخی عوامل مهم خواهیم پرداخت.

### ۱-۱. ابتدا بر پارادایم‌های نامطلوب

یکی از عوامل معرفتی شبهات دینی، متأثر بودن از پارادایم‌های غیردینی و انحرافی است. گرچه پارادایم‌ها گاهی ناخودآگاه در معارف انسان تأثیر دارند و انسان نمی‌تواند خود را به‌طور کامل از آن رها سازد، ولی یک دین‌پژوه با شناخت پارادایم‌های مرتبط و بهره‌گیری از جهان‌بینی و پارادایم مطلوب، می‌تواند به فهم و تفسیر درست از دین بپردازد و از کژفهمی و انحراف معرفتی بپرهیزد.

تفاوت بسیاری از دیدگاه‌ها و رویکردها در فهم دین، در سطح پارادایم است. شکل‌گیری برخی مکاتب فکری ممکن است در مسائل جزئی یا جریانی ریشه داشته باشد، ولی به تدریج خود به یک پارادایم و مکتب تبدیل می‌شود و عدم توجه به رعایت این اصل، به‌صورت ناخودآگاه ممکن است دین‌پژوه و مفسر را تحت تأثیر دیگر پارادایم‌ها قرار دهد و در حقیقت پارادایم نامطلوب، به‌مثابه

«پارادایم مسلط» بر فهم و تفسیر دین حاکم گردد و از همین جا شبهات معرفتی در باب دین شکل می‌گیرد. امروزه بیشتر روشنفکران دینی در جهان اسلام، خواسته یا ناخواسته تحت تأثیر پارادایم‌های فکری غرب همچون مکتب هرمنوتیک فلسفی، پدیدارشناسی و بعضاً پارادایم پوزیتیویستی قرار دارند و بر اساس آن به شبهات معرفتی در حوزه دین دامن می‌زنند؛ مثلاً برخی روشنفکران ایرانی، در علم‌شناسی و روش علم تحت تأثیر پوپر، در فلسفه دین متأثر از جان هیک و در روش فهم و تفسیر دین متأثر از هرمنوتیک فلسفی - به‌ویژه هایدگر و گادامر - هستند<sup>۱</sup> و براساس آن شبهات بسیاری را بر جامعه دینی تحمیل کرده‌اند. این مشکل به روشنفکران اختصاص ندارد و حتی برخی فتاوا و احکام فقها نیز ممکن است ناخواسته و ناخودآگاه ذیل پارادایم‌های غیردینی یا نامطلوب قرار گیرد و خود، منشأ شبهات فراونی گردد.

## ۱-۲. ضعف یا فقد دانش‌های مقدماتی و پیش‌نیاز

محدودیت و ضعف آگاهی، از اصلی‌ترین عوامل شکل‌گیری شبهات دینی در انسان است. به عبارت دیگر از عوامل معرفتی در شکل‌گیری شبهات دینی، ضعف یا فقدان دانش‌های لازم و مقدماتی در حوزه فهم و تفسیر دین است؛ مثلاً مراجعه به کتاب و سنت و اقدام به تفسیر متن، بدون فراگرفتن دانش‌هایی همچون ادبیات عرب، علم معانی و بیان، علوم قرآن و مانند آن، از آسیب‌ها و آفات فهم دین و عامل اصلی شبهات دینی است (ر.ک: سیوطی، ۱۴۱۱، ج ۴، ص ۲۱۳-۲۱۵).

دانش‌های لازم در دین‌پژوهی و معرفت دینی، اعم از علوم و دانش‌های زیرساختی و دانش‌های آلی‌اند. این علوم عبارت‌اند از: دانش‌های زبانی (علم لغت، صرف، نحو، معانی و بیان)، علوم قرآنی (کلیاتی درباره قرآن و تاریخ آن)، علوم حدیثی (درایه و رجال)، علوم روشی (منطق و اصول فقه) و علوم پیرامونی (پیراعلوم). این عامل، منشأ بدفهمی و ایجاد شبهه است؛ مثلاً عدم اطلاع از سبب نزول آیات، عدم شناخت فرهنگ زمان نزول، عدم آشنایی با آیات محکم و متشابه، عدم توجه به ظاهر و باطن قرآن و... از آفات فهم قرآن است که خود، شبهات بسیاری را به‌همراه خواهد داشت.

ضعف در دانش‌های زیرساختی و دانش‌های مقدماتی باعث می‌شود عقاید و اندیشه مفسر و دین‌شناس، نامتجانس و ناهمگون باشد یا از لحاظ روش‌شناسی، التقاط و ترکیبی از روش‌های

۱. در این باره به مجموعه مقالات «جریان‌شناسی و نقد اعتزال نو» - دوره پنج جلدی - مراجعه شود.

متضاد را در مطالعات دینی به کار گیرد. همچنین منشأ ترکیب و التقاط پارادایم‌های متضاد شود و به بدعت، تفسیر به‌رأی و انفعال فکری منجر خواهد شد. از پیامدهای این آفت، عدم آشنایی با برخی ادله، مدارک، قواعد و ضوابط فهم دین است و در نتیجه به شبهات و مغالطات منجر خواهد شد. بیشتر نواندیشان دینی به لحاظ مبانی نظری در اندیشه اسلامی، فقر معرفتی دارند و معمولاً از تراش غریبی تغذیه می‌کنند و به شدت مرعوب فضای حاکم بر غرب‌اند؛ بنابراین راز کژفهمی و بدفهمی آنان در حوزه دین، تأثیر عوامل مخلّ و تحمیل‌گر است. امروزه دیدگاه کسانی که مسئله عذاب و عقاب الهی را زیر سؤال می‌برند یا کسانی که تفسیر عامیانه از مسائل اعتقادی دارند یا برخی احکام الهی را برابر خشونت می‌دانند، معمولاً برخاسته از ضعف در دانش‌های زیرساختی و مقدماتی به‌ویژه عدم شناخت صائب از مصدر و منبع دین و هویت آن است؛ برای نمونه برخی روشنفکران درباره اجرای احکام قصاص معتقدند امروزه بشر به مرتبه‌ای از رشد و تکامل فرهنگی و اخلاقی رسیده است که از رسوم اعراب جاهلی در آن خبری نیست و تضمین حیات فردی و اجتماعی از طرق دیگری غیر از قصاص نیز ممکن بوده و حذف مجازات قصاص از قوانین جزایی سبب طغیان احساسات انتقام‌جویانه نمی‌شود و نظم و امنیت جامعه را با اختلال دچار نمی‌کند (ر.ک: خسروشاهی، ۱۳۸۰، ص ۲۲۳).

### ۱-۳. کاربست مبانی مخلّ و مخرب

برخی پیش‌فرض‌ها و مبانی در فرایند فهم و معرفت دینی، مخلّ و مخرب‌اند و در نتیجه به شبهات فراوانی منجر می‌شوند. مبانی مخلّ و تحمیل‌گر در فهم دین، فراوان‌اند و سطوح گوناگونی را شامل می‌شوند؛ از جمله موارد ذیل را می‌توان نام برد: داشتن جهان‌بینی غلط (جهان‌بینی مادی و تجربی)، بهره‌گیری مبانی و پیش‌فرض‌های نادرست یا کاربست نادرست مبانی یا دخالت دادن پیش‌فرض‌ها و انتظارات نادرست تا سرحد تحمیل معنا (معنای نادرست) (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۷۷). معمولاً انسان، دارای آراء، پیش‌فرض‌ها و پیش‌دانسته‌هایی است؛ براین اساس دین‌پژوه نباید پیش از فهم دین و مقصود شارع، آن را بر دین تطبیق و تحمیل نماید (همان، ج ۱، ص ۶). برخی مفسران، دین و متون دینی را شاهد و مؤیدی بر دیدگاه خود دانسته‌اند و به جای فهم حاق دین، درصدد اثبات مدعای خویش‌اند. بسیاری از انحرافات و شبهات فکری در دین‌پژوهی از این دست‌اند و مشروعیت خود را مستند به برخی آیه‌های قرآن کریم می‌دانند (عزیزی، ۱۳۷۷، ص ۳۵) و با تعصب به آرای خویش، دیگران و مخالفان خود را منحرف و بدعت‌گذار می‌پندارند (ر.ک: زرقانی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۴۰-۴۴)؛ به همین دلیل به منظور اجتناب از پیش‌داوری‌ها ابتدا باید

ذهن را از پاسخ‌ها و پیش‌فرض‌های مخّل، خالی کرد و به‌جای آن هرچه پرسش‌ها فراوان باشند، فهم دقیق‌تر می‌شود. به‌عبارت‌دیگر در فهم دین نباید پاسخ‌ها را نیز ما تعیین کرده باشیم و برای آنها ارزش قطعی قائل شویم و سپس به‌دنبال آن باشیم که آیه یا روایت را بر آن منطبق کنیم (ر.ک: رجبی، ۱۳۸۵، ص ۳۸).

برخی مبانی و پیش‌فرض‌های نادرست در فهم دین عبارت‌اند از: نسبی‌گرایی، عقل‌گرایی (عقل‌خودبنیاد)، نقل‌گرایی (نص‌بند)، تأویل‌گرایی (رویکرد زبان رمزی) و مانند آن. کاربست نادرست مبانی نیز در بدفهمی و تفسیر به‌رأی تأثیر مستقیم دارد و راز کژفهمی برخی روشنفکران در حوزه فهم دین، به نوع کاربست مبانی یا بهره‌گیری از مبانی مخّل و مخرب برمی‌گردد؛ مثلاً مبانی هرمنوتیک فلسفی که یک کلان‌شبهه محسوب می‌گردد، منشأ نظریه و شبهه قرائت‌های گوناگون از دین بوده و فهم ثابت و صائب از دین را ناممکن می‌داند. بر اساس این مبانی، فهم و معرفت دینی، امری نسبی، تاریخی و سیال خواهد بود. شبهات هرمنوتیک فلسفی در معارف گوناگون دینی همچون فقه، حقوق، هنر، اخلاق و... امتداد می‌یابد.

#### ۱-۴. جمود فکری

از معضات شبهات دینی، جمود فکری است. بسیاری از مکاتب فکری و تفسیری در طول تاریخ مانند مکتب «ظاهرگرا»، «اخباریون»، «اهل حدیث»، «اخباریون»، «اخباریون»، «اخباریون» و... برخاسته از جمود فکری است. جمود فکری و انفکاک تعقل از تدین در طول تاریخ اسلام به صورت‌های گوناگونی در جوامع اسلامی رخنه کرده است (ر.ک: مطهری، ۱۳۶۸، ص ۱۶۶)؛ مثلاً رویکرد ظاهرگرایی در فهم دین به ظاهر متون دینی، جمود دارد. ظاهرگرایان تنها منبع فهم اصول و فروع دینی را ظواهر احادیث و آیات قرآن می‌دانند و نه تنها در فهم این متون بر ظاهر آن جمود داشته و عقل را دخالت نمی‌دهند، بلکه در شناخت اصول اعتقادی نیز برای عقل اعتباری قائل نیستند (ر.ک: جبرئیلی، ۱۳۸۵، ص ۲۸۴). از مصادیق جمود فکری، بسنده‌کردن به یک منبع و عدم مراجعه به منابع دیگر است؛ مثلاً عقل‌گرایان، به اعتبار منبع عقل، جمود دارند. در مقابل نص‌گرایان و ظاهرگرایان (اهل حدیث و اخباریون)، عقل‌گریزند و به منبع حدیث و ظواهر آن جمود دارند.

#### ۱-۵. جزئی‌نگری و نگاه جزیره‌ای به دین و منابع دینی

یکی از عوامل یا معضات شبهات دینی، جزئی‌نگری و نگاه جزیره‌ای به دین و منابع دینی است. به‌عبارت‌دیگر عدم توجه به محتوا و پیام جامع دین، بی‌توجهی به پیوند اجزای دین و نقش آنها در

توضیح و تبیین یکدیگر و عدم توجه به دیگر منابع معرفتی یا بی‌توجهی به حجت‌های دینی و منابع ارائه‌کننده تفسیر معصومانه از کتاب آسمانی همچون اهل بیت<sup>علیهم‌السلام</sup>، از معدنات شبهات دینی می‌باشد، درحالی‌که دین و منابع دینی همچون قرآن کریم، سنت و عقل، به‌مثابه منابع معرفتی آن، یک مجموعه منظم و به‌هم پیوسته را تشکیل می‌دهند که بی‌توجهی به پیوستگی آن - مراجعه به یک منبع یا بخشی از یک منبع - از آفات فهم دین است؛ فرضاً تفسیر متشابهات بدون شناسایی و نظر داشت محکمت و ارجاع به آنها منشأ شبهات دینی است؛ زیرا در فهم و تفسیر آیات قرآن کریم، برخی آیات، مفسر و مبین یکدیگرند؛ بنابراین قرآن در بیان مسائل، شیوه‌ای مخصوص دارد و بدون در نظر گرفتن آیات دیگر، نمی‌توان به فهم و تفسیر آن آیه پرداخت یا برخی آیات قرآن کریم متشابه‌اند که در فهم و تفسیر آن باید به آیات محکم، ارجاع و عرضه شود (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۰). درحقیقت قرآن کریم کلامی است که الفاظش در عین اینکه از یکدیگر جدا هستند، به یکدیگر متصل‌اند؛ بدین معنا که هریک بیانگر و شاهد دیگری است؛ به‌همین دلیل در فهم قرآن نباید به قواعد ادبی اکتفا کرد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۷۶ و ج ۱۵، ص ۳۸۸)؛ زیرا در موارد متعددی یک آیه با عطف به عبارات و آیات قبل معنا می‌یابد یا آیه‌ای به‌مثابه عطف تفسیری، مفسر و مبین عبارات یا آیات قبل است (همان، ج ۱۵، ص ۳۸۸).

## ۱-۶. علم‌گرایی

همان‌گونه که نگرش افراطی به یک منبع و گریز از منابع دیگر، از عوامل انحرافی در فهم دین است (ر.ک: رجبی، ۱۳۸۵، ص ۳۷)، نگرش افراطی یا تفریطی به مسائل و دانش‌های روز نیز منشأ شبهات خواهد بود. از مصادیق افراط، رویکرد علمی و تجربی به فهم دین به‌ویژه تفسیر علمی قرآن کریم است که بعضاً به‌دلیل پیش‌داوری‌ها به تفسیر به‌رأی و تحمیل نظریات و عقاید بر قرآن منجر می‌شود (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲، ص ۲۲۹-۲۳۰). البته در قرآن به‌تناسب، به برخی پدیده‌های طبیعی نیز اشاره شده است که با رشد علوم، برخی ابعاد اعجاز علمی قرآن آشکار می‌شود که در این صورت می‌توان با شرایطی و بدون غلطیدن در تفسیر به‌رأی، برخی آیات مرتبط را با داده‌های علوم تطبیق داد. «علوم» دست‌کم به دو گونه بر فهم دین تأثیر دارند: نخست، ایجاد سؤال و فراهم آوردن زمینه گفت‌وگو و دیگری اختلاف و تعارض. تأثیر نخست، مطلوب بوده و مشکلی ایجاد نمی‌کند، ولی در بخش دوم، تعارض فهم ما و نتایج تجربه‌های علمی، گاهی به علم‌گرایی و علم‌زدگی در فهم دین منجر می‌شود که جنبه افراطی دارد.

نقطه مقابل افراط (علم‌زدگی)، فقر روزآمدی و فقد زمان‌آگاهی (به‌مثابه تفریط) است؛ زیرا

فهم دقیق و صائب دین، مستلزم شناخت موضوعات و مسائل جدید می‌باشد (ر.ک: رشاد، ۱۳۸۲ ب، ص ۴۶): «الْعَالَمُ بِزَمَانِهِ لَا تَعْمَجُ عَلَيْهِ الْوَايِسُ» (حرّانی، ۱۴۰۴، ص ۲۶۱)، به‌ویژه اینکه: «الْقُرْآنُ يَفْسِرُهُ الزَّمَانُ» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۰)؛ زیرا هر عصری دارای ویژگی‌ها، ضرورت‌ها و اقتضائاتی است که برخاسته از تحولات زمان و تطورات مسائل جدید و مفاهیم تازه در عرصه زندگی می‌باشد و عالم دین اگر از وضع زمان خود آگاه نباشد، دچار اشتباهات و خطاهای گوناگونی در فهم دین خواهد شد (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۱۹۲-۱۹۵).

## ۱-۷. کاربرد روش نادرست یا کاربرد نادرست روش

استفاده از روش نادرست یا کاربرد نادرست و استفاده نادرست روش، از آفاتی است که خود منشأ انحرافات و شبهات فکری می‌شود. این عوامل به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم با روش فهم دین در ارتباطند؛ از جمله عوامل روش‌گانی در شبهات دینی، حصر منبع‌شناختی و در نتیجه حصر روش‌شناختی است. با توجه به تبعیت روش از منابع معرفتی، برخی رویکردها در دین‌پژوهی به دلیل بهره‌گیری از منابع خاص و پرهیز از منابع دیگر، دچار آفت حصر روش‌گانی شده و تنها بعضی از روش‌ها را در فهم دین به کار می‌گیرند و این امر باعث فهم ناقص و معیوب از دین می‌شود. عقل‌گرایی افراطی، اخباری‌گری، ظاهرگرایی و... از این سنخ‌اند؛ مثلاً برخی مکاتب و رویکردها با ابتناب بر «كُفَانَا كِتَابَ اللَّهِ»، از منبع عقل و سنت در فهم دین فاصله گرفتند و فقط قرآن کریم را از منابع فهم دین قرار داده‌اند، در حالی که بر اساس آیات قرآن کریم، عقل نیز یکی از منابع معرفتی دین است: «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّبْرُ الْبُكْرُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ» (انفال: ۲۲). بی‌توجهی به منبع عقل باعث فهم نادرست از دین خواهد شد (عزیزی، ۱۳۷۷، ص ۳۴). به عبارت دیگر روی‌گردانی از عقل و نادیده گرفتن توانایی آن به نتایج زیانباری در فهم دین منجر می‌گردد؛ مثلاً اخباریون به دلیل جمود به ظواهر، از منبع عقل دست کشیدند (مطهری، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۱۵۶). این مسئله درباره منابع دیگر نیز صادق است؛ مثلاً روش عقل‌گرایی افراطی نیز مبتنی بر انحصار منبعیت عقل در فهم دین بوده که منجر به حصر روش عقلی شده است.

از دیگر عوامل روش‌گانی در تحقق شبهات دینی، ترکیب و التقاط روش‌های متضاد است. این مشکل در التقاط پارادایم‌ها، جهان‌بینی‌ها و التقاط مبانی ریشه دارد؛ مثلاً ترکیب روش پدیدارشناختی و روش هرمنوتیک فلسفی با روش اعتزالی (عقل‌گرایی) و به‌کارگیری آنها در فهم دین، منشأ نظریه و شبهه قرائت‌های گوناگون از دین شده است. این روش‌های متعارض در فهم دین، مانع کشف حقیقت و بسط معرفت می‌گردد (ر.ک: رشاد، ۱۳۸۲ ب، ص ۴۶). حصر

روش شناختی یا التقاط روش‌های متضاد، هم کاربست نادرست یک روش و هم کاربست روش نادرست است؛ مثلاً اثبات اصل ضرورت دین با روش نقلی، کاربست نادرست یک روش می‌باشد؛ همان‌گونه که تبیین تجربی از تعبدیات محض نیز کاربست روش نادرست است.

## ۲. عوامل غیر معرفتی

تحقق شبهات دینی، افزون بر عوامل معرفتی و شناختی، ریشه در عوامل و معادات غیر معرفتی دارد. عوامل غیر معرفتی (فرامعرفتی) مشتمل بر مجموعه‌ای از عوامل درونی (روان‌شناختی) و بیرونی (جامعه‌شناختی) هستند که در فرایند دین‌پژوهی، منشأ شبهات بسیاری می‌شوند. عوامل درونی و روان‌شناختی عبارت‌اند از: ویژگی‌های اخلاقی، شخصی و شخصیتی. عوامل بیرونی همچون آداب و عادات، فرهنگ‌ها، حکومت‌ها، الگوها، جو اجتماعی، عصریت و... که از آن به عوامل اجتماعی تعبیر می‌شود. در ادامه به برخی عوامل مهم فرامعرفتی اعم از عوامل دورنی و عوامل بیرونی اشاره خواهد شد:

۱۵



### ۲-۱. عوامل درونی (روان‌شناختی)

بخش مهمی از عوامل و زمینه‌های شکل‌گیری شبهات دینی به‌ویژه شبهه‌پذیری، در عوامل درونی و روانی ریشه دارد. برخی از این عوامل عبارت‌اند از: حب نفس، دنیاطلبی، استبداد به رأی، عجب، کبر و غرور، ریا، دل‌بستگی به تعلقات دنیوی، خودشیفتگی، حسد، تعصب و جانب‌داری، کج‌سلیقگی، عیب‌جویی، لجاجت، عناد، وسواس، توجیه‌گری و حقیقت‌پوشی، تهور و شجاعت بیش از حد، ترس و احتیاط مفرط، خلف وعده، شماتت، عیب‌جویی، دورویی، فریب‌کاری، طمع (ر.ک: بهبهانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۳۸)، ذهنیت‌زدگی و ذهن‌آلودگی (پیش‌داوری‌های ناشی از انگیزه‌ها و انتظارات، علایق و سلائیق) و کودنی فاهمه (با لحاظ درجات و مراتب آن) (رشاد، ۱۳۸۲ الف، ص ۳۸-۳). امام علی علیه السلام در حدیثی به برخی عوامل درونی شبهه اشاره می‌کند: «... وَالشُّبُهَةُ عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ إِعْجَابٍ بِالرَّيْنَةِ وَ تَسْوِيلِ النَّفْسِ وَ تَأْوِيلِ الْعُوجِ وَ لَبْسِ الْحَقِّ بِالْبَاطِلِ وَ ذَلِكَ بَأَنَّ الرَّيْنَةَ تَصْدِفُ عَنِ الْبَيِّنَةِ وَ أَنَّ تَسْوِيلَ النَّفْسِ يَفْجِمُ عَلَى الشَّهْوَةِ وَ أَنَّ الْعُوجَ يَمِيلُ بِصَاحِبِهِ مَيْلًا عَظِيمًا وَ أَنَّ اللَّبْسَ ظُلَمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ فَذَلِكَ الْكُفْرُ وَ دَعَائِمُهُ وَ شُعْبَةُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۹۳)؛ یعنی «شبهه» چهار شعبه دارد: دل‌باختن در برابر آراستگی، وسوسه نفس، توجیه‌کردن کجی‌ها و آمیختن حق به باطل.

## ۲-۱-۱. تبعیت از هواهای نفسانی

گرایش‌ها و هواهای نفسانی، لغزش‌گاه بزرگی بر سر راه شناخت حقایق است؛ بنابراین تبعیت از هواهوس، یکی از عوامل درونی و غیر معرفتی در تولید شبهات دینی است. این عامل - اعم از آگاهانه و ناخودآگاه - انسان را از راه حق و فهم آن بازمی‌دارد و در مقابل، دوری از هوا و در نظر گرفتن خداوند در سر و علن، باعث دستیابی به حقیقت می‌شود (ر.ک: کرکی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۳۹). به عبارت دیگر تبعیت از هواهوس به عنوان ریشه بیشتر انحرافات عملی و نظری، قدرت تشخیص را از انسان می‌گیرد و منشأ شبهات دینی می‌شود. خداوند در قرآن کریم درباره پیروی از هوای نفس می‌فرماید: «إِنَّ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ» (نجم: ۲۳). منظور از ظن، گمان غیر معتبری است که در تقابل با علم بوده و ریشه در هواهوس دارد: «بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَ هُمْ بَغَيْرِ عِلْمٍ» (روم: ۲۹). تبعیت از هوای نفس، همان‌گونه که باعث بدفهمی و شبهات دینی می‌شود، منشأ فتنه‌ها نیز می‌باشد: «إِنَّمَا بَدَأَ وَقُوعَ الْفِتَنِ أَهْوَاءَ تَتَّبِعُ» (نهج البلاغه، خطبه ۵۰).



## ۲-۱-۲. خودپسندی

خودپسندی یا حب نفس نیز منشأ شبهات دینی است. حب نفس، در نقطه مقابل حب خدا و عبودیت آن قرار دارد. خودخواهی، آفات و پیامدهای فردی و اجتماعی فراوانی دارد که از جمله آن، بازدارندگی از فهم حقایق است؛ زیرا خودخواهی و خودبینی، نوعی کبر و غرور است (ر.ک: محقق اردبیلی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، ص ۳۶۴) که انسان، به آنچه دارد، اکتفا کرده و او را از فهم و شناخت حقایق بازمی‌دارد. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «حُبُّكَ لِنَفْسِكَ يُعْمِي وَ يُصِمُّ» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۱۳۸۰ ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۲۴). کسانی که در حجاب خودخواهی و خودبینی گرفتار شدند، نمی‌توانند حقایق را بفهمند و هرچه را با خودبینی و خودخواهی آنان سازگار نباشد، نمی‌پذیرند.

## ۲-۱-۳. دنیاطلبی

از دیگر زمینه‌های شبهات دینی، دنیاطلبی و جاه‌طلبی است؛ زیرا به واسطه رذیله دنیاطلبی و ریاست‌طلبی، همه سعی و تلاش انسان بر دنیا متمرکز می‌شود و از فهم حقایق دیگر غافل می‌گردد (ر.ک: محقق اردبیلی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، ص ۳۶۷) و برای توجیه آن، شبهاتی را طرح می‌کند؛ حتی قلب و فطرت نیز بسته و قفل می‌شود: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَي قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» (محمد: ۲۴). امام علی ﷺ درباره دنیاطلبی می‌فرماید: «فَارْتَضِ الدُّنْيَا فَإِنَّ حُبَّ الدُّنْيَا يُعْمِي وَ يُصِمُّ وَ يُبْكِكُمْ وَ يُذِلُّ الرِّقَابَ: دُنْيَا رَاهَا كُنْ؛ چون محبت دنیا انسان را کور و کر و لال می‌گرداند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۳۶). علت اصلی ایستادگی برخی در برابر قرآن کریم و دستورات آن، جاه‌طلبی و دنیاطلبی است.

## ۲-۱-۴. لجاجت و عناد

لجاجت و عناد، یکی از عوامل یا زمینه‌های ایجاد شبهات دینی است. این مسئله ذومراتب و تشکیکی بوده و مشتمل بر لجاجت از سر کفر و نفاق تا لجاجت به مثابه ویژگی اخلاقی و شخصیتی است. هردو سطح، منشأ شبهه می‌باشد؛ مثلاً لجاجت مشرکان و کفار مکه و مدینه در برابر قرآن کریم، از سر کفر و نفاق بود. آنان در علوم و دانش‌های مقدماتی همچون علم صرف، نحو و معانی و بیان یا به‌لحاظ جهاز و ابزار ظاهری (گوش و چشم) مشکلی نداشتند، بلکه مشکل آنان لجاجت در کفر و عناد بود: «صُمُّبُكْرٍ عُمَىٰ فَهُمُ لَا يَعْقِلُونَ» (بقره: ۱۷۱) و «فَإِنَّهَا لَا تَعْمَىٰ الْأَبْصَارُ وَلَكِنَّ تَعْمَىٰ الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ» (حج: ۴۶)؛ یعنی آنان در اثر کفر و لجاجت و به‌لحاظ قلب، توان درک حقایق دینی را نداشتند؛ بنابراین بیشتر پرسش‌های آنان درباره مبدأ، معاد و نبوت، با انگیزه ایجاد شبهه بود، نه برای دانستن و کشف حقایق (ر.ک: ساجدی و دیگران، ۱۳۹۸، ص ۷۵-۹۱).

۱۷



عوامل معرفتی و فرامعرفتی شکل‌گیری شبهات دینی

مسئله لجاجت در سطح نازل‌تر، درباره مؤمنان و عالمان دین نیز صادق است. عالم دین به‌لحاظ سطح نخست (کفر و شرک جلی) مشکلی ندارد، ولی به‌لحاظ شخصی یا شخصیتی (اخلاقی)، ممکن است به دلایلی دچار لجاجت و عناد شود. این آفت می‌تواند نقش بازدارندگی در فهم دین داشته باشد. ممکن است کسی بر اثر غفلت و اشتباه، نظری داشته باشد، ولی لجاجت باعث می‌شود برای اثبات درستی آن پافشاری و تحکم کند و برای ترمیم یا تصحیح آن به هر چیزی تمسک جوید. هدف آن، کشف حقیقت و پیروی از آن نیست، بلکه درصدد است تا حق را تابع نظر خویش قرار دهد (ر.ک: فیض کاشانی، ۱۳۴۹، ج ۱، ص ۱۵۴). پیروی بدون دلیل از گذشتگان و تعصب نسبت به آنان از مصادیق لجاجت بوده و انسان را از رسیدن به حقیقت بازمی‌دارد.

## ۲-۱-۵. کبر و غرور

کبر و غرور نیز از زمینه‌های روانی و درونی شکل‌گیری شبهات دینی است. این امر عامل بازدارندگی از شناخت و فهم حقایق است: «العجب یفسدالعقل» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۶۹). کبر و غرور، زنگار صفحه دل بوده و باعث تیرگی قلب می‌گردد؛ بنابراین ردیله استکبار، از آسیب‌های معرفت دینی است: «وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَرَأَىٰ مُمْسِكًا بِرِكَابٍ كَانَتْ تَرْتَجِبُ فَسَمِعَهَا كَانَتْ فِي أذُنَيْهِ وَقَرًّا» (لقمان: ۷):

حجاب‌های دیگری از بیماری‌های اکتسابی و میراثی نفسانی و انحراف‌های ذهنی و خوی‌های پست مانند غرور، کبر، حسد است که هریک منشأ و راه‌علاجی دارد. این‌گونه حجاب‌هاست که

ذائقه فهم هر حقیقتی را فاسد و از لذت درک آن باز می‌دارد و طنین آیات حق را باز می‌تاباند و مانع نفوذ آن در ضمیر انسانی می‌شود؛ چون بیشتر مسلمانان دچار همین‌گونه حجاب‌ها شدند و از هدایت و پیروی قرآن محروم گشتند (طالقانی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۷).

## ۲-۲. عوامل بیرونی (اجتماعی)

عوامل بیرونی عبارت‌اند از: آداب و عادات، فرهنگ‌ها (تهاجم فرهنگ‌های بیگانه)، حکومت‌ها، الگوها، جو اجتماعی، عصریت و مانند آن که از آن به عوامل اجتماعی تعبیر می‌شود. مقصود از عوامل اجتماعی، اعم از عوامل اقتصادی، سیاسی، مذهبی و فرهنگی است. این عوامل به‌نوبه خود بر عوامل فردی و درونی نیز تأثیرگذارند. عوامل اجتماعی هم در شبهه‌پردازی و هم در شبهه‌پذیری اثرگذارند.

### ۲-۲-۱. آداب، عادات و رسوم اجتماعی

منظور از آداب و عادات اجتماعی، به مجموعه‌ایی از رفتارها، رسوم و الگوهای اجتماعی اطلاق می‌شود که در یک جامعه یا فرهنگ خاص شکل می‌گیرند و به‌مرور زمان تثبیت می‌شوند. آداب و عادات‌ها به‌عنوان یکی از عوامل و زمینه‌های اجتماعی شبهه‌سازی و شبهه‌پذیری می‌توانند نقش اساسی داشته باشند. برخی آداب و عادات‌ها ممکن است با اصول و احکام دینی در تضاد باشند و در نتیجه به تحقق شبهات دینی منجر شوند یا در اثر تغییر در شیوه‌های زندگی، ممکن است عادات و رسوم جدیدی شکل گیرند که با ارزش‌ها و باورهای دینی همخوانی نداشته باشند و در نتیجه به شک و شبهه در دین و معرفت دینی منجر شوند. به‌عبارت‌دیگر آداب و عادات، تأثیر عمیقی بر ساختار دینی یک جامعه می‌توانند داشته باشند و در صورت عدم تناسب با اصول دینی، باعث ایجاد شبهه و شبهه‌پذیری شوند؛ برای نمونه مسئله قمه‌زنی که در برخی جوامع شیعی برای عزاداری امام حسین علیه السلام به‌عنوان یک رسم سنتی برگزار می‌شود، زمینه‌ساز شبهات بسیاری در ماهیت عزاداری‌ها شده است و این عمل با وجود اینکه از دید برخی، نوعی عزاداری تلقی می‌شود، ضمن اینکه به‌دلیل خشونت و آسیب‌های جسمی که ممکن است ایجاد کند، با اصل حفظ نفس و سلامت جسم در دین اسلام در تضاد می‌باشد، باعث وهن دین و مذهب نیز خواهد بود و نیز باعث ایجاد شبهه در مورد اصل عزاداری می‌شود. شاید کسی قمه‌زنی را با آداب و رسوم اقوام و ملل دیگر مقایسه کند و معتقد باشد همان‌گونه که هر قومی در عزاداری به آداب و سنن ویژه خویش پای‌بند است و اقوام دیگر حق اعتراض و مخالفت با آن را ندارند، درباره رسم و سنت قمه‌زنی نیز کسی حق ندارد آن را نفی یا نقد کند. در مقابل این بیان باید گفت آداب و رسوم غلط برخی جوامع

در عزاداری‌ها مستند به دین نیستند تا منجر به وهن دین شود، درحالی‌که طرفداران سنت قمه‌زنی، آن را مستند به دین می‌دانند و این سنت غلط به پای دین نوشته می‌شود و افزون بر وهن دین و مذهب، باعث ایجاد شبهات دیگری برای دین‌داران و حتی غیرمتدینان خواهد شد. به عبارت دیگر سنت غلط قمه‌زنی ممکن است از سویی نگرش‌های منفی درباره اسلام و تشیع در میان افراد غیرمسلمان یا حتی مسلمانان دیگر ایجاد کند و از سویی دیگر باعث ایجاد شبهات در مورد مسالمت‌آمیز بودن دین و مذهب شود.

### ۲-۲-۲. فرهنگ‌های بیگانه و تهاجم فرهنگی

تهاجم فرهنگی، یکی از عوامل اجتماعی مؤثر در ایجاد شبهات دینی یا شبهه‌پذیری افراد است. تهاجم فرهنگی به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که به منظور نفوذ و گسترش فرهنگ یک جامعه به داخل جامعه‌ای دیگر انجام می‌شود. این پدیده می‌تواند به زوایای گوناگونی از جمله رسانه‌ها، هنر، زبان و حتی شیوه‌های زندگی مربوط باشد. دشمن برای انحراف فکری و دینی، از هر روش و ابزاری از جمله شبهات فکری و دینی استفاده می‌کند و جامعه مورد نظر نیز به دلیل تضعیف هویت فرهنگی، در پذیرش شبهات مهیاتر می‌شود؛ زیرا تهاجم فرهنگی می‌تواند باعث احساس عدم امنیتی نسبت به هویت فرهنگی افراد شود. وقتی عناصر فرهنگ بیگانه به تدریج وارد جامعه می‌شوند، ممکن است افراد نسبت به ارزش‌ها و باورهای دینی شک کنند. افزون بر اینکه تهاجم فرهنگی معمولاً منجر به ظهور منتقدان و گروه‌هایی می‌شود که در برابر فرهنگ غالب، مقاومت می‌کنند. این تضادها می‌تواند شبهاتی در مورد هویت دینی به وجود آورد. رسانه‌های اجتماعی در انتشار اطلاعات نادرست و شبهات دینی نقش اساسی دارند و در نتیجه شبهات جدیدی درباره ارزش‌ها و معارف دینی ایجاد می‌کنند.

### ۲-۲-۳. حکومت‌ها و دولت‌ها

حکومت‌ها و دولت‌ها نقش مهمی در شکل‌گیری و مدیریت شبهات فکری و دینی دارند. دولت‌ها همان‌گونه که در پاسخ و دفع شبهات دینی می‌توانند نقش داشته باشند، در فراهم کردن بستر رشد شبهات نیز اثرگذارند؛ مثلاً امروزه فضای مجازی در دست دولت‌ها و نهادهای دولتی، می‌تواند هر دو نقش را بازی کند، ولی متأسفانه نقش سلبی و منفی آن پررنگ‌تر شده است؛ زیرا با ایجاد فضای رسانشی و مجازی آزاد و رها، به ترویج شبهات دینی دامن می‌زنند. به عبارت دیگر امروزه فضای مجازی به‌عنوان یک بستر گسترده ارتباطی به‌رغم داشتن مزایای فراوان، منبعی برای انتشار شبهات دینی محسوب می‌شود. در این بستر هر فرد به راحتی می‌تواند به محتوای گوناگونی

از جمله شبهات دینی دسترسی داشته باشد. فضای مجازی ضمن اینکه منشأ ایجاد شبهات دینی است، با کاهش حساسیت نسبت به مسائل دینی و اخلاقی، منجر به پذیرش شبهات دینی در جامعه می‌شود. برخی جریان‌ها و رویکردهای سیاسی در دولت‌ها به لحاظ نظری و عملی منشأ شبهات بسیاری در این باره شده‌اند؛ مثلاً تأکید برخی جریان‌های سیاسی بر جدایی دین از سیاست و کاهش نقش دین در سیاست‌گذاری‌ها، شبهات بسیاری به همراه داشته است و حتی کارآمدی اصل دین را نیز زیر سؤال می‌برند. یکی از شبهاتی که برخی روشنفکران دینی طرح می‌کند اینکه «جهت‌گیری دینی، معطوف به سعادت اخروی است. دین فقط مزاحمت‌های دنیا را نسبت به سعادت اخروی برطرف می‌کند. اگر ما آخرتی نداشتیم، دین برای ما نبود. امور دنیا به خود مردم وانهاده شده است» (سروش، ۱۳۷۹، ص ۶). این‌گونه شبهات، هم در آرای برخی مدعیان روشنفکری دینی ریشه دارد و هم برخاسته از زمینه‌های عملی و اجرایی برخی جریان‌های سیاسی در دولت‌هاست. این عوامل بعدها در برخی دولت‌ها با بهانه آزادی بیان و حمایت از مطبوعات، زمینه‌ساز انتشار شبهات درباره مسائل دینی و حتی نقد صریح احکام دینی از جمله حجاب و حقوق زنان شده است.

## نتیجه

در مقاله حاضر، عوامل و زمینه‌های شکل‌گیری شبهات دین‌فهمی و دین‌پژوهی بیان و بررسی شد. ابتدا عوامل معرفتی شامل پارادایم‌های نامطلوب، عدم دانش‌های مقدماتی، کاربست مبانی مخرب، جمود فکری، جزئی‌نگری، علم‌گرایی و روش‌های نادرست تحقیق بیان شد. در ادامه عوامل و زمینه‌های غیرمعرفتی مانند عوامل روان‌شناختی (عوامل درونی) و عوامل و زمینه‌های اجتماعی (عوامل بیرونی) شبهات نیز مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه اینکه با توجه به عوامل متعدد و متنوعی که در ایجاد شبهات دین‌فهمی و دین‌پژوهی تأثیر دارند، ضروری است دین‌پژوهان، عالمان و مبلغان دین، با ارتقا بخشیدن دانش‌های مقدماتی و اصلاح رویکردها، زمینه‌های شکل‌گیری شبهات را از میان ببرند. مهم‌ترین اقدام، جهاد تبیین است. در این جهاد به منظور پیشگیری از بروز شبهات دینی، ازسویی آموزش صحیح عقاید دینی لازم است و ازسوی دیگر ریشه‌یابی شبهات موجود و عوامل و معدّات آن برای پاسخ‌گویی، امری ضروری است.

## منابع

۱. ابن ابی جمهور احسائی، محمد؛ عوالی اللئالی العزیزة فی الأحادیث الدینیة؛ تحقیق مجتبی عراقی؛ قم: سیدالشهداء، ۱۴۰۳ق.
۲. ابن منظور، محمدبن مکرم؛ لسان العرب؛ [بی جا]: نشر أدب الحوزه، ۱۴۰۵ق.
۳. اردبیلی (محقق اردبیلی)، احمد؛ مجمع الفائدة والبرهان؛ قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۷ق.
۴. برنجکار، رضا؛ روش شناسی علم کلام: اصول استنباط و دفاع در عقاید؛ تهران: سمت، ۱۳۹۳.
۵. بهبانی، وحید؛ الفوائد الحائریة؛ قم: مجمع الفکر الإسلامی، ۱۴۱۵ق.
۶. بهبانی، وحید؛ مصابیح الظلام فی شرح مفاتیح الشرائع؛ قم: مؤسسة العلامة المجدد الوحید البهبانی، ۱۳۸۲.
۷. بهمنی، فرانک و سعید بهمنی؛ «بازتقریر خاستگاه شبهه به مثابه مبنای معرفتی مواجهه و مقابله با آن»، مجله شبهه پژوهی مطالعات قرآنی؛ ش ۶، پاییز ۱۴۰۱، ص ۲۵-۶۲.
۸. جبرئیلی، محمدصفر؛ «فلسفه علم کلام»، مجموعه مقالات فلسفه های مضاف؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۷۱-۹۰.
۹. حرّانی، محمدحسن؛ تحف العقول؛ ترجمه و تصحیح علی اکبر غفاری؛ قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق.
۱۰. خسروشاهی، قدرت الله؛ فلسفه قصاص از دیدگاه اسلام؛ قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۰.
۱۱. رجبی، محمود و سید محمدحسن جواهری؛ منطق فهم قرآن؛ قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۵.
۱۲. رشاد، علی اکبر؛ «دبیاجه ای بر منطق فهم دین»، فصلنامه قیاسات؛ ش ۲۷، دی ۱۳۸۲ (الف)، ص ۳-۳۸.
۱۳. رشاد، علی اکبر؛ دین پژوهی معاصر؛ تهران: نشر مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۲ (ب).
۱۴. رضایی اصفهانی، محمدعلی؛ منطق تفسیر قرآن؛ قم: دفتر تدوین متون درسی مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲.
۱۵. زرقانی، عبدالعظیم؛ مناهل العرفان فی علوم القرآن؛ مصر: دار إحياء الكتب العربیه، [بی تا].

۱۶. ساجدی، اکبر، جواد نعمتی، یوسف خیری و میرمحسن عرفانی راد؛ «تأملی در آیات ناظر بر شبهه افکنی مشرکان و پاسخ‌های قرآنی، با محوریت تفسیر مجمع‌البیان و نمونه»، مجله آفاق علوم انسانی؛ ش ۲۴، فروردین ۱۳۹۸، ص ۹۱-۷۵.
۱۷. سروش، عبدالکریم؛ هفته‌نامه جامعه مدنی؛ ش ۲۰، ۱۳۷۹/۱۱/۲۲.
۱۸. سیوطی، جلال‌الدین؛ الإیتقان فی علوم القرآن؛ قم: انتشارات رضی، ۱۴۱۱ق.
۱۹. صدوق، محمد؛ من لایحضره الفقیه؛ قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
۲۰. طالقانی، سید محمود؛ پرتوی از قرآن؛ چ ۵، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۱.
۲۱. طباطبایی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۷ق.
۲۲. عزیزی، غلامعلی؛ «نگاهی به آسیب‌های فهم قرآن»، فصلنامه معرفت؛ ش ۲۶، پاییز ۱۳۷۷، ص ۲۷-۳۶.
۲۳. علی‌تبار، رمضان؛ منطق فهم دین؛ تهران: سمت، ۱۴۰۰.
۲۴. فیض کاشانی، ملامحسن؛ الأصول الأصلية؛ تصحیح میرجلال‌الدین حسینی ارموی؛ تهران: سازمان چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۴۹.
۲۵. کرکی (محقق کرکی)، علی؛ قاطعة اللجاج فی تحقیق حلّ الخراج؛ قم: مؤسسه النشر الإسلامی، [بی‌تا].
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی؛ تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۲۷. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الأنوار؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۲۸. محقق‌گرفمی، البرز، حسن اسلام‌پور کریمی و حسن خرقانی؛ «بنیان‌ها و علل شناختی و روشی شکل‌گیری شبهات از نظرگاه قرآن مجید»، مجله مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، ش ۱۹، پاییز ۱۴۰۰، ص ۸۱-۱۱۰.
۲۹. مطهری، مرتضی؛ آشنایی با قرآن، شناخت قرآن؛ تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۹.
۳۰. مطهری، مرتضی؛ جاذبه و دافعه علیؑ؛ تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۶۸.
۳۱. مطهری، مرتضی؛ اسلام و مقتضیات زمان؛ تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۳.
۳۲. مفید، محمد؛ تصحیح اعتقادات الإمامیه؛ تحقیق حسین درگاهی؛ بیروت: دارالمفید، ۱۴۱۴ق.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴.